

در سال ۲۹۴ هجری، قمرمطیان به شهر مکه حمله کردند و حجاج را به قتل رساندند و ۱۱ روز در مکه ماندند و «حَجْرُ الْأَسْوَد» و محتویات درون «کعبه» (از قبیل جواهرات و اشیاء قیمتی) را با خود به بحرین بردند.^۱ مورخین در این باره می‌نویسند: قمرمطیان «حجر الاسود» را از «خانه» جدا کردند و برپام کعبه شدند و ناودان زرین کعبه را کردند و میگفتند: «... چون خدای شما به آسمان شود و «خانه» را بر زمین ضایع گذارد، «خانه» اش را غارت و ویران میکنند... پس جامعه از «خانه» باز کردند و باره باره به غارت بردند و به استهزا میگفتند: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ» (یعنی): وقتی که در خانه کعبه رفتید چرا از شمشیرها امان نیافتید؟^۲ و امر خدایی می‌بود شما را، ایمن میکرد شما را از بیم زخم شمشیرها...^۳ حمله قمرمطیان به مکه از طرف آزاد مردان و روشنفکران اسلام (که عدد آنها در آن عصر قابل توجه بود) باشادی و تحسین استقبال شد.^۴

«ابن مسکویه» می‌نویسد که: برای برانداختن و سرکوبی قمرمطیان، تنها در بین النهرین، خزانه عباسی بکلی خالی شده بود، زیرا فرونشاندن این شورش ۷۵۶ میلیون دینار (طلا) هزینه برداشت.^۵ موفقیت و پایداری حکومت ۱۵۰ ساله قمرمطیان را میتوان در علت‌های زیر خلاصه کرد:

- ۱- کامل- ابن اثیر- ص ۶۵ (و نیز) آثار الباقیه- ۲۷۷.
- ۲- اشاره به سوره آل عمران- آیه ۹۷ (هر که در خانه کعبه داخل شود. ایمن گردد). مؤلف.
- ۳- سیاست نامه- ص ۳۰۸ (و نیز) تاریخ فلسفه در جهان اسلامی - ص ۱۸۷.
- ۴- زندگی مسلمانان در قرون وسطی ص ۱۲۷.
- ۵- تجارب الامم- ص ۱۴۲.

- ۱- بر خورداری از يك جهان بينی غير مذهبی كه وسیله ای موثر و مطمئن، برای ایجاد «بهشت موعود» در این جهان بود.
- ۲- اعمال و اجرای يك سیاست اقتصادی اشتراکی، مبتنی بر توزیع عادلانه ثروت‌ها و تأمین و تعمیم آزادی و عدالت اجتماعی.
- «ابوسعید جنابی» (رهبر قرامطه) با ایجاد حکومت دموکراتیک «احسا» و باروش شجاعانه خود، به سایر رهبران و پیشوایان جنبش‌های میهنی، راه و رسم تشکیل حکومت‌های آزاد و ملی را آموخت.^۱

«قرمطیان» در ایران دارای پایگاه عظیم توده‌ای و روستائی بودند بطوریکه در زمان «نوح دوم سامانی»، این نهضت با همدستی دولت‌های فتووال و روحانیون وابسته به آنها، بشدت سرکوب گردید. در زمان «سلطان محمود غزنوی» نیز شکار و سرکوبی «قرمطیان» شدیداً ادامه داشت. «گردیزی» می‌نویسد: «... و «محمود» بیشتر ایشان (قرمطیان) را را بگرفت، بعضی را دست برید و نکال (شکنجه) کرد، و بعضی را به قلعه‌ها بازداشت تا هم اندر آن جای‌ها، بمردند...» آثار و اشعار شاعران متعلق دربار غزنوی از سرکوبی و کشتار عظیم قرمطیان حکایت میکنند. «فرخی سبستانی» می‌گوید:

«قرمطی» چندان گشتی‌گز خونشان تا چند سال
چشمه‌های خون شود در باده ریگ میل
و «عنصری» نیز در مدح «سلطان محمود غزنوی» میسرآید:

- ۱- زندگی مسلمانان در قرون وسطی - ص ۱۳۹.
- ۲- زین الاخبار - ص ۱۸۰.

نقله ماندگه ننگان و نه سیه که نزد
نه دقرمطی که نکت و نه همبر و نه تافر



در زمان مقتدر نهضت قرمطیان - که از سال ۴۶۰ هجری آغاز شده بود - همچنان ادامه داشت و وسعت و گسترش بیشتری یافت .
در این دوران «ابوسعید جنابی» (رهبر قرامطه) پس از حمله به مکه و بردن حجرالاسود و اشیاء قیمتی خانه کعبه ، با ۵۰۰ (پانصد) تن از سپاهیان خود برای جنگ با مقتدر بسوی بغداد شتافت . خلیفه (مقتدر) یکی از سرداران خود بنام «ابی ساج» را با سی هزار سپاه بکنگ قرمطیان فرستاد . «ابی ساج» سپاهیان و قدرت نظامی قرمطیان را کوچک شمرد و قبل از جنگ با آنها ، به خلیفه نوشت که : «ابوسعید» را دستگیر کرده و یزودی بدربار خلیفه خواهد فرستاد ... سپس «ابی ساج» نامه ای به رهبر قرمطیان نوشت و ضمن وعده ها و وعیدهای بسیار - یاد آور شد که او را طاقت مقاومت در برابر سپاهیان خلیفه نیست و از «ابوسعید» خواست تا تسلیم شود و در «امان» باشد .

«حمداله مستوفی» در این باره می نویسد: «ابوسعید از فرستاده «ابی ساج» پرسید که : با «ابی ساج» چند مرد بودند؟ گفت : سی هزار ، ابوسعید گفت: والله سه مرد نیز نیستند، پس، از لشکریان خود یکی را گفت تا سر خود ببرد، و دیگری را گفت تا خود را از بلندی بزیر افکند و سوم را گفت تا خود را در آب غرقه کرد... و گفت : هر که را چنین لشکریانی باشد از کثرت دشمن نترسد، ترا از من امان است ، لیکن «ابی ساج» را با سنگان بسته و در زنجیر بنویسیم... و در شب بر «ابی - ساج» شیبخون زد و جمعی را بکشت و جمعی را منهزم گردانید و «ابی ساج» را اسیر گرفت و با سنگان به زنجیر بست»^۱

«مقتدر» بخاطر کودکی و صغر سن، از سیاست و مملکت داری بی - بهره بود و در اداره امور تحت تأثیر شدید مادرش و دیگر زنان حرم سرا قرار داشت.

سال ۲۶۰ هجری در تاریخ اسلام و عباسیان از چند جهت بسیار قابل توجه و دقت است:

۱ - در این سال امام یازدهم (حسن عسگری) وفات می‌کند، در حالیکه ظاهراً فرزندی از او باقی نمانده بود - اما گروهی از شیعیان گفتند که «امام مهدی» در سرداب «سامره» غیبت کرده است. موضوع «غیبت مهدی موعود» از این سال آغاز میشود.^۱

۲ - از سال ۲۶۰ هجری قیام «فرمطیان» در خراسان و دیگر سرزمین‌های اسلامی آغاز میشود.

۳ - در این سال مبارزات استقلال طلبانه ایرانیان (که از آغاز حمله اعراب به ایران جریان داشت) باعث استقرار سلسله ایرانی سامانیان در خراسان گردید. سلسله‌های دیگر ایرانی (مانند صفاریان) نیز برای ایجاد یک حکومت ملی و مستقل با دولت عباسی مبارزه میکردند.

۴ - در سال ۲۶۰ هجری حکومت زنگیان (قیام‌زنج) در اهواز استقرار می‌یابد و «محمد بن یحیی کرمانی» (اهوازی) یکی از فرماندهان قیام «زنج» حاکم آنجا میگردد.

عزیمت حلاج به «بصره» هم‌زمان با اوج گیری «قیام‌زنج» و شورش بردگان بین‌النهرین و گسترش تبلیغات «فرمطیان» در این نواحی بود. این نهضت‌ها - بطوریکه گفته‌ایم - بوسه‌ای ایرانیان تندرو رهبری میشدند و بی شک، حلاج - که جوانی پرشور بود - بخصوص به خاطر ایرانی بودنش نمیتوانست از تمام این جریان‌ها دور و بر کنار بماند.

۱ - نگاه کنید به: ترجمه فرق‌الشیعه - ص ۱۶۰ (و نیز) خاندان نو بختی -

عباس اقبال آشتیانی - ص ۱۰۲ - ۱۱۰.

در سال ۲۹۴ هجری قمر مطیان به مکه حمله کردند و مراسم «حج» را تعطیل نمودند و اموال و اشیاء قیمتی درون «کعبه» را، مصادره کردند. «این جزار» می گوید: «... یکی از قمر مطیان سوار بر اسب خود وارد خانه خدا شد و به مردمی که در آنجا بودند ندا داد که: «ای خران! شما این خانه سنگی را سجده می کنید و گرد آن می چرخید و به اکرام و احترامش می رقصید، بر دیوارهایش چهره میسائید و فقیهان شما، که مقتدایان و رهبران شما هستند، چیزی بهتر از این به شما نمی آموزند... و برای محو این خرافات جز این شمشیر باقی نمانده است.»

⋮

حکم تعقیب و فتوای قتل حلاج، انعکاس گسترده ای در میان توده ها و روشنفکران و سیاستمداران بغداد داشت. در همین هنگام (سال ۲۹۶ هـ) کودتائی بر علیه خلیفه، بوسیله عده ای از اصلاح طلبان و هو اخوان و پیروان «حلاج» (از جمله بدر اعجمی و حسین بن حمدان) صورت گرفت که در آن عده ای از افراد و عناصر «قراظه» دست داشتند.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<https://derafsh-kavivani.com/>
<https://the-derafsh-kavivani.com/>